

امکان رسیدگی به جنایات داعش در دیوان کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل

سیدحسام‌الدین لسانی^۱ / محسن یدائی امناب^۲

۱. آقای سید حسام‌الدین لسانی، استادیار گروه حقوق دانشگاه حضرت معصومه (س) lesani77@yahoo.com

۲. آقای محسن یدائی، امناب دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل lawyer.yadaei@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۶

چکیده

داعش گروهی تروریستی است که بخش های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه را در تصرف خود داشته و عملکرد آن در عراق و سوریه به انبوهی از جرایم بین‌المللی تبدیل شده است. وقایع رخ داده در سوریه و عراق در مسیری قرار گرفته که جهانیان و طرفداران حقوق کیفری بین‌المللی انتظار دارند که متولی فعلی اجرای عدالت کیفری، یعنی دیوان کیفری بین‌المللی به محاکمه و سزادهی کسانی پردازد که حقوق اولیه انسان‌ها را نادیده گرفته و شنیع‌ترین جرایم را رقم می‌زنند. از سویی شمار وسیعی از رفتارهای مجرمانه جرم‌انگاری شده ذیل عناوین جنایت‌های جنگی و جنایت‌های علیه بشریت و حتی جنایت نسل‌زدایی، توسط جنایت‌پیشه‌های گروه داعش به فعلیت رسیده و صلاحیت موضوعی دیوان را احراز کرده است و از سوی دیگر، سوریه و عراق، عضو این دیوان نیستند. به نظر می‌رسد با لحاظ این دو موضوع و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان با چهار سازوکار جنایت‌های داعش را در دیوان کیفری بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد: الف) ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان؛ ب) پذیرش صلاحیت دیوان در مورد «جرم» خاص از سوی کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق؛ ج) عضویت کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق در دیوان کیفری بین‌المللی؛ د) وقوع جرم توسط اتباع دولت‌های عضو اساسنامه دیوان در قلمرو کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق.

▪ واژگان کلیدی:

داعش، سوریه، عراق، دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت، جنایت‌های جنگی، جنایت‌های علیه بشریت، جنایت نسل‌زدایی، تروریسم.

مقدمه

ریشه گروه تروریستی داعش^۱ به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود، در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرده و «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان انبار، وسیع‌ترین استان عراق محسوب می‌شد. در ۱۳ اکتبر همین سال، مجلس شورای مجاهدین به‌همراه چند گروه شورشی دیگر، گروه «دولت اسلامی عراق» را تشکیل دادند. ابویوب المصری و ابوعمر البغدادی دو رهبر اصلی این گروه بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر البغدادی جانشین آنها شد (Y. Zelin, 2014: 4). با آغاز جنگ داخلی سوریه، نیروهای این گروه وارد سوریه نیز شدند و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «دولت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس، با نام مخفف داعش معروف شدند. آنها به سرعت بخش‌هایی از شمال شرقی سوریه را تصرف کرده و شهر رقه را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. سپس هم‌زمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرده و موفق شدند رمادی و فلوجه، مهم‌ترین شهرهای استان انبار در عراق را به قلمرو خود اضافه کنند. در ژوئن ۲۰۱۴ مهم‌ترین موفقیت داعش با تصرف موصل - دومین شهر بزرگ عراق - به‌دست آمد. آنها در ماه‌های بعد نیز پیشروی‌های زیادی داشته و تا خرداد ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و بخش‌های شمال غربی عراق را در تصرف خود داشته‌اند.

این گروه پس از گسترش قلمرو اشغال‌شده خود، در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس، نام آن «دولت اسلامی» است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده و ابوبکر البغدادی، رهبر گروه را نیز به‌عنوان خلیفه معرفی کرد و فعالیت‌های حکومتی خود را گسترش داد؛ از جمله این اقدام‌ها، چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، درست کردن پلیس، صدور نفت، راه‌اندازی شبکه تلویزیونی، و برگزاری گشت‌های گردشگری است.

^۱ Islamic State of Iraq and Syria or Islamic State of Iraq and al-Sham (ISIS)

هرچند ریشه داعش به گروه‌های مرتبط با شبکه القاعده می‌رسد، اما با جبهه النصره، شاخه رسمی القاعده در سوریه وارد جنگ شده است و القاعده بارها نسبت داعش با خود را رد کرده است. (محمدی فومنی، ۱۳۹۳).

بسیاری از فعالیت‌های اعضای داعش با هیچ نوع محاسبه عقلانی قابل توجیه نیستند. حکومت‌هایی چون آلمان نازی یا خمرهای سرخ کامبوج سعی می‌کردند جنایت‌های خود را پنهان کنند، اما برخلاف آنها داعش، با انتشار فیلم‌های متعدد گردن زدن یا فیلم زنده سوزاندن خلبان اردنی، همگان را به دشمنی با خود برانگیخته است. آنها نه تنها با شیعیان، کردها، یزیدی‌ها، مسیحی‌ها و تمام مسلمانانی که با آنها هم‌عقیده نیستند می‌جنگند، بلکه حتی با القاعده نیز وارد نبرد شده‌اند.

برآوردهای متفاوتی از تعداد جنگجویان داعش وجود دارد. سازمان سیا در سپتامبر ۲۰۱۴ تعداد نیروهای این گروه در عراق و سوریه را بین ۲۰ تا سی‌ویک هزار و پانصد نفر برآورد کرد.^(۱) دیده بان حقوق بشر سوریه در اوت ۲۰۱۴ تعداد جنگجویان آن را هشتاد هزار نفر (پنج‌هزار در سوریه و سی هزار در عراق) برآورد کرد.^(۲) فرمانده ارتش روسیه نیز در دسامبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که مطابق برآوردهای ما تعداد نیروهای داعش به هفتاد هزار نفر می‌رسد.^(۳) به گزارش گروه مشاوره امنیتی صوفان در آمریکا، تعداد نیروهای خارجی داعش در دسامبر ۲۰۱۵، به بیست‌وهفت هزار نفر رسیده است. این افراد تبعه ۸۶ کشور جهان هستند.^(۴)

خاطرات تلخ نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در قرن بیستم منجر به ایجاد دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو و پس از آنها نیز دیوان‌های ویژه برای محاکمه و مجازات جنایتکاران مناطق یوگسلاوی سابق و رواندا شد. اما تمام این اقدامات نتوانستند پاسخ‌گوی جنایت‌های بین‌المللی شده و راه‌حلی اساسی در این مورد ارائه دهند. زیرا در بسیاری از موارد، جنایت‌های اتفاق افتاده در چندین سال گذشته با مصونیت مرتکبان آنها همراه بود. لذا در جامعه بین‌المللی، عزم بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی که دارای ماهیت سیاسی هستند، بر این استوار شد که یک مرکز مستقل کیفری بین‌المللی در سطح جهان برای مبارزه با جرایم بین‌المللی شکل گیرد (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۵۳) و سرانجام دولت‌ها در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در شهر رم ایتالیا گرد هم آمدند تا یک دیوان کیفری بین‌المللی تشکیل

دهند و به این مصونیت‌ها، پایان دهند. در این تاریخ، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به امضای ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس رم رسید، تا اینکه با پیوستن شصتمین کشور به اساسنامه آن، با الحاق حداقل لازم از دولت‌ها، از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد و یک سال پس از آن، با انتخاب قضاوت و سایر مقامات، کار خود را در شهر لاهه (هلند) آغاز کرد. این اساسنامه که به اساسنامه رم مشهور شده، متشکل از ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده است.

از یک سو جنایت‌های انجام‌شده توسط داعش، در قالب جنایت‌های دارای صلاحیت موضوعی دیوان، یعنی جنایت نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت و جنایت‌های جنگی قرار دارد و از سوی دیگر، کشورهای عراق و سوریه عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند. اکنون پرسش اساسی این است که آیا دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند جنایت‌های داعش را مورد رسیدگی قرار دهد تا از بی‌کیفر ماندن جنایت‌های این سازمان تروریستی جلوگیری کرده و همچنین با تعقیب کیفری سران داعش، نظم آسیب‌دیده جامعه بین‌المللی را بازگردانده و نقش ارعابی خود را در پیشگیری از وقوع چنین اعمالی توسط گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی دیگر ایفا کند.

به نظر می‌رسد از یک سو با توجه به مفاد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و عدم عضویت عراق و سوریه در این دیوان با راهکارهای خاصی دیوان کیفری امکان رسیدگی به جنایت‌های ارتكابی داعش را داشته باشد، هرچند در راهکارهای موجود و قابل‌فرض ملاحظات غیرحقوقی و به‌ویژه سیاسی، بسیار اثرگذار بوده که تاکنون تحقق این امر را به تعویق انداخته است. در این مقاله به تبیین این راهکارها اشاره شده و در نهایت رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی با توجه به اعلامیه دادستان فعلی آن، به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در این مقاله روش تحقیق، تبیینی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری مطالب، اسنادی و کتابخانه‌ای است. در ضمن باید به این نکته اشاره کرد که برای پاسخ‌گویی به پرسش مطرح‌شده که هدف و ضرورت اصلی این مقاله را نیز شامل می‌شود، منبع اصلی برای بررسی امکان رسیدگی به جنایت‌های داعش توسط دیوان کیفری بین‌المللی، اساسنامه این دیوان است.

۱. اعمال تروریستی انجام شده توسط داعش و عنوان های مجرمانه آن

تعیین دقیق عنوان حقوقی هریک از جنایت های داعش، مستلزم ادله قانونی و علمی است. ادله اثبات دعوا در مورد اقدامات داعش شامل دو دسته، اعم از گزارش های رسمی مراجع رسمی مانند سازمان ملل و گزارش های غیررسمی است که در سطح جهان وجود دارد. گزارش های کمیته بین المللی صلیب سرخ، سازمان عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر، وزارت حقوق بشر عراق و اعترافات خود گروه داعش، اقدامات جنایتکارانه این گروه را نشان می دهد. در واقع جنایت های گروه داعش، به حدی وسیع است که تردیدی در مورد وقوع آنها وجود ندارد.

با توجه به ماده ۵ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، صلاحیت دیوان، محدود به شدیدترین جنایت ها و تنها به جنایت نسل زدایی، جنایت های علیه بشریت، جنایت های جنگی، و جنایت تجاوز است که می توان از این چهار جنایت، به عنوان صلاحیت موضوعی دیوان نام برد؛ لذا در ادامه به بررسی مختصر جنایت های ارتكابی توسط داعش در قالب این چهار نوع جنایت پرداخته می شود.

۱-۱. جنایت نسل زدایی

طبق ماده ۶ اساسنامه دیوان، جنایت نسل زدایی^۱: «به مفهوم هریک از اعمال زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی با همین عنوان ارتكاب یابد: الف: قتل اعضای گروه، و...» آنچه در ارتكاب این جرم بسیار مهم است، سوء نیت خاصی است که باید وجود داشته باشد و آن، قصد از بین بردن همه یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی است. دلیل اینکه چرا تنها از این چهار گروه حمایت شده، این است که این چهار گروه از ثبات و دوام نسبی برخوردارند و ورود افراد به آن معمولاً غیراختیاری است؛ یعنی کسی با اختیار خود، عضو گروه ملی، مذهبی، قومی یا نژادی نشده است. پس در تشخیص ارتكاب جرم نسل زدایی، وجود این سوء نیت خاص بسیار مهم است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳: ۳۵).

^۱. The Crime of Genocide

با توجه به انواع جنایت‌های ارتكابی توسط داعش، وقوع جنایت نسل‌زدایی توسط این گروه مسلم است؛ در این باره کمیسیونر عالی حقوق بشر ملل متحد نیز در گزارشی اعلام کرده است که داعش در مظان اتهام ارتكاب نسل‌زدایی در مورد ایزدی‌ها (یزیدی‌ها)^(۵) قرار دارد و این امر توسط دادستان آرژانتینی سابق دیوان لوییس اوکامپو^۱ نیز مورد تأیید قرار گرفته است.^(۶) دو گروه ایزدی در جلسه‌ای با حضور فاتو بن سودا^۲ دادستان فعلی دیوان کیفری بین‌المللی، گزارشی از فجایعی که تروریست‌های داعش در شمال عراق مرتکب شده‌اند را ارائه کردند. شکایت آنها شامل اعدام بیش از ۷۰۰ مرد ایزدی، قتل افراد سالخورده و بیمار، تجاوز و به بردگی گرفتن هزاران زن و دزدیدن کودکان که مجبور بودند پس از گرویدن به اسلام داعشی برای این گروه بجنگند، می‌شود. داعش به‌صراحت اعلام کرده است که قصد دارد دین ایزدی که آن را کفر می‌خواند، را از بین ببرد. ایزدی‌ها به خدا ایمان دارند و خدانشناسی آنها بیشتر از ادیان ایرانیان باستان نشئت می‌گیرد تا از متون استناددار یهودی، مسیحی یا اسلامی.^(۷)

۲-۱. جنایت‌های علیه بشریت

طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان، جنایت‌های علیه بشریت^۳: «به مفهوم هر یک از اعمال زیر است در صورتی که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی (با علم به آن حمله) انجام شود. در جنایت‌های علیه بشریت، برخلاف نسل‌زدایی که عنصر معنوی در آن مهم بود، عنصر مادی، اهمیت زیادی دارد؛ به این مفهوم که باید گسترده (دربردارنده قربانیان متعدد) یا سازمان‌یافته (بر اساس طراحی و نقشه و برنامه‌ریزی قبلی) بوده و با سیاست یا رویه دولت هماهنگ باشد. لازم به ذکر است که در هنگام تهیه اساسنامه، برخی از کشورها، بر گستردگی «و» سازمان‌یافته بودن، و برخی بر گستردگی «یا» سازمان‌یافته بودن تأکید می‌کردند، که در نهایت نظر گروه دوم تصویب شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳: ۳۵).

¹. Luis Moreno Ocampo

². Fatou Bensouda

³. Crimes against humanity

برخی از جرایم مهم داعش که می‌توانند زیر عنوان مجرمانه جنایت‌های علیه بشریت جای گیرند، عبارتند از: برده‌داری، قتل عمد، شکنجه، تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی و... داعش به‌طور رسمی از برده‌داری دفاع می‌کند و معتقد است، قرآن اجازه هم‌خوابگی با زنان اسیر کافر را به مسلمانان داده است. همچنین اعتقادات آخرالزمانی آنها نیز در این گرایش سهیم بوده است و در این زمینه به حدیثی استناد می‌کنند که پیش از وقوع آخرالزمان، برده‌داری دوباره احیا می‌شود.^(۸) گزارش‌های متعددی در مورد آزار جنسی و خرید و فروش زنان و دختران اسیر وجود دارد. به‌ویژه زنان و دختران پیرو مذهب ایزدی که به جنگجویان گروه، هدیه داده شده یا فروخته شده‌اند.^(۹)

۳-۱. جنایت‌های جنگی

ماده ۸ اساسنامه دیوان، به جنایت‌های جنگی^۱ می‌پردازد. طبق بند ۱ این ماده، دیوان در مورد جنایت‌های جنگی، صلاحیت خواهد داشت، به‌ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست یا در قالب ارتکاب گسترده جنایت‌های یادشده انجام شده باشد و در بند ۲ این ماده، به مصادیق جنایت‌های جنگی در شش قسمت، به‌صورت نسبتاً کاملی پرداخته شده است که به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه وضعیت داعش در قالب درگیری مسلحانه غیربین‌المللی قابل شناسایی است^(۱۰) لذا قسمت‌های سوم و پنجم از بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان، بر برخی از جرایم داعش که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، قابل انطباق باشد.

قسمت سوم بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بیان می‌کند: در حالت وقوع درگیری مسلحانه غیربین‌المللی، نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، به‌معنای هریک از اعمال ارتكابی زیر بر ضد اشخاصی است که هیچ‌گونه شرکت فعالی در کارهای مربوط به جنگ ندارند، از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاح‌هایشان را زمین گذاشته‌اند و همچنین کسانی که به‌سبب جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان باشند: ... و همچنین قسمت پنجم بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان، دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی را بیان می‌کند. لازم به ذکر

^۱. War Crimes

است که با توجه به اصلاحات انجام‌شده در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان در سال ۲۰۱۰، در ماده ۸ اساسنامه دیوان، سلاح‌های شیمیایی و سمی نیز به اعمال مجرمانه در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی اضافه شده است (ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۴ و ۱۵).

در ادامه به‌اختصار به برخی از جرایم مهم داعش که می‌تواند زیر عنوان مجرمانه جنایات‌های جنگی جای گیرد، اشاره خواهد شد. البته می‌توان گفت بخش عمده اعمال مجرمانه داعش، تحت این عنوان قابل بررسی هستند.

کشتار، شکنجه، گروگانگیری و رفتار بیرحمانه. در مورد ارتکاب این اعمال مجرمانه توسط داعش نمونه‌ها و مصادیق فراوانی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: داعش ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی کُرد ساکن منطقه عین‌العرب که برای شرکت در امتحان نهایی عازم حلب بودند را ربود؛ عناصر داعش ۱۹۳ تن از شهروندان کُرد را که ۱۷ تا ۷۰ سال سن داشتند، در منطقه قباسین واقع در حومه شهر الباب در استان حلب سوریه ربودند و به جستجوی خانه‌به‌خانه این منطقه پرداختند^(۱۱) نیروهای داعش، ساکنان چند روستای ترکمن‌نشین در عراق را قتل‌عام کردند^(۱۲)؛ در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۴، سازمان نظارت بر حقوق بشر در بریتانیا خبر از سنگسار شدن دو زن توسط داعش در مدت کمتر از ۲۴ ساعت خبر داد^(۱۳)؛ داعش خلبان اردنی را زنده‌زنده سوزاند و تصاویر سوزاندن او را منتشر کرد.^(۱۴)

تخریب بناهای مذهبی، تاریخی، و آموزشی. در مورد ارتکاب این اعمال مجرمانه توسط داعش، نمونه‌ها و مصادیق فراوانی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: داعش پس از اشغال شهر تاریخی موصل در شمال عراق، اماکن مقدس به‌ویژه مسجدها و آرامگاه‌های مقدس شیعیان را تخریب کرد. دست کم چهار آرامگاه مقدس اعراب سنی و صوفی نیز توسط بولدوزر خراب شدند، همچنین شش مسجد شیعی از طریق انفجار تخریب شدند^(۱۵)؛ نیروهای داعش در اوایل سال ۲۰۱۵ حدود دو هزار کتاب را از کتابخانه مرکزی موصل خارج کرده و چند روز پس از آن، کتاب‌های کتابخانه دانشگاه این شهر سوزانده شدند^(۱۶)؛ و در سال ۲۰۱۵، داعش شهر باستانی پالمیرا (تدمر)^۱ سوریه را تصرف کرد. از زمانی که این

^۱. Palmyra (Tadmor)

شهر به دست این گروه تروریستی افتاد، تخریب بناهای تاریخی و آثار هنری آغاز شد که از جمله می توان به تخریب معبد تاریخی «بعل شمین»^۱ در این شهر اشاره کرد.^(۱۷)

صدور و اجرای احکام بدون تشکیل دادگاهی قانونی با وجود تضمین های

قضایی. داعش به صدور و اجرای حکم، علیه افراد زیادی کرده است که برخی از آنها بدون تشکیل هیچ محکمه ای و یا در صورت تشکیل چنین محکمه ای بدون وجود تضمین های قضایی که شناخته شده باشند، اقدام کرده است؛ به همین دلیل صدور احکام سخت گیرانه و افراطی علیه مخالفان و اسیران جنگی به دست / ابو جعفر خطاب، قاضی القضاة داعش، حتی برای ابوبکر البغدادی، رهبر این گروه هم پذیرفتنی نبوده است. او با صدور اغراق آمیز احکام و تکفیر، افراد بسیاری را به مرگ محکوم کرده بود. این رهبر هیئت شرع داعش به طور رسمی، / ایمن الظواہری، رهبر القاعده را هم تکفیر کرد، زیرا به گفته خطاب، وی اهل تشیع را به اندازه کافی، دشمن تلقی نمی کند. خطاب در نهایت توسط خود داعش، دستگیر، محکوم و سر بریده شد.^(۱۸)

۴-۱. جنایت تجاوز

طبق بند ۲ ماده ۵ اساسنامه دیوان که در واقع صلاحیت موضوعی دیوان را مطرح کرده است، به دلیل وجود اختلاف هایی میان کشورها، از جنایت تجاوز^۲ تعریفی انجام نشده و اعمال صلاحیت دیوان، موقوف به تعریف آن خواهد بود، زیرا در هنگام تنظیم اساسنامه دیوان، کشورهای دارای حق و تو در شورای امنیت، تجاوز ارضی را در صلاحیت خود می دانستند و مخالف ورود آن به جرایم تحت صلاحیت دیوان کیفری بین المللی بودند؛ لذا تصمیم بر آن شد که آن را در اساسنامه ذکر کنند، ولی صلاحیت دیوان کیفری بین المللی را در مورد آن، معلق بگذارند تا زمانی که با اصلاح اساسنامه، حدود و ثغور این جرم معلوم شود، البته به گونه ای که با منشور ملل متحد، تعارض و تضادی نداشته باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳: ۳۴).

^۱. Temple of Baalshamin.

^۲. The crime of aggression

در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری^۱ در شهر کامپالا^۲ در سال ۲۰۱۰، جنایت تجاوز با الحاق ماده ۸ مکرر به اساسنامه دیوان، مورد تعریف قرار گرفت؛ اگرچه همچنان دیوان تا ۷ سال بعد نیز از رسیدگی به جنایت تجاوز منع شده است؛ با این حال تحقق عنوان مجرمانه تجاوز در مورد داعش منتفی است، زیرا یکی از عناصر اصلی تعریف جنایت تجاوز همان‌گونه که در ماده ۸ مکرر الحاقی به اساسنامه دیوان ذکر شده و همچنین به‌لحاظ عرفی نیز چنین است، جنایت تجاوز توسط یک کشور علیه کشور دیگر انجام می‌شود که با توجه به اینکه ماهیت حقوقی داعش، کشور محسوب نمی‌شود، انطباق عنوان مجرمانه تجاوز بر اعمال داعش به‌لحاظ موضوعی، منتفی است.

۲. انواع صلاحیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی و بررسی انطباق آن بر داعش

پیش از آنکه به انواع صلاحیت در دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته شود، لازم به ذکر است که طبق اساسنامه دیوان، موضوع قابلیت پذیرش با موضوع صلاحیت، متفاوت است. قابلیت پذیرش، به این معنا است که دعوا در صورتی در دیوان پذیرفته می‌شود که دارای دو شرط باشد: اولاً، موضوع از اهمیت برخوردار باشد، پس دیوان به دعاوی بی‌اهمیت، رسیدگی نمی‌کند. ثانیاً، پرونده در دادگاه داخلی رسیدگی نشده باشد یا در حال رسیدگی نباشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳: ۳۴). حال اگر موضوعی قابل‌پذیرش در دیوان کیفری بین‌المللی باشد، باید این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که آیا دیوان، صلاحیت و شایستگی رسیدگی به این موضوع را دارد یا خیر؟ به‌عبارت دیگر، شرایط قابلیت پذیرش، شرط‌های لازم هستند، ولی برای ورود دیوان کافی نیستند و باید مبنای صلاحیتی دیوان نیز احراز شود تا دیوان بتواند رسیدگی به آن موضوع را آغاز کند. لذا لازم است به‌اختصار صلاحیت‌های متنوع دیوان کیفری بین‌المللی طبق اساسنامه دیوان و انطباق آن با وضعیت داعش بررسی شود.

۲-۱. صلاحیت موضوعی

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، با توجه به ماده ۵ اساسنامه، دیوان کیفری بین‌المللی تنها در مورد چهار جرم جنایت نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت، جنایت‌های

^۱. Review Conference of the Rome Statute of the International Criminal Court

^۲. Kampala

جنگی، و جنایت تجاوز، امکان رسیدگی دارد و صلاحیت موضوعی آن محدود به همین چهار جنایت است. با توجه به مباحث مطرح شده، وقوع سه جنایت نسل زدایی، جنایت‌های علیه بشریت و جنایت‌های جنگی، محرز و مسلم است، لذا دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت موضوعی برای رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط داعش را دارد.

۲-۲. صلاحیت تکمیلی

برخلاف دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جنایت‌های جنگی یوگسلاوی و رواندا که از صلاحیت هم‌زمان با دادگاه‌های ملی برخوردار بودند، در مورد دیوان بین‌المللی کیفری، طبق مقدمه اساسنامه و مواد ۱ و ۱۷ اساسنامه دیوان، اصل صلاحیت تکمیلی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ به این معنی که مسئولیت اصلی در تعقیب و رسیدگی به جنایت‌های موضوع صلاحیت دیوان با دادگاه‌های ملی است؛ تفاوتی هم نمی‌کند که دولت رسیدگی کننده عضو دیوان باشد یا نباشد و در صورت عدم تمایل یا توانایی دادگاه‌های ملی یا نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد، دیوان بین‌المللی کیفری، اعمال صلاحیت خواهد کرد. به این ترتیب این دیوان، مکمل محاکم ملی است، اما جایگزین یا جانشین آنها نیست. اصولاً انجام محاکمه در دادگاه‌های داخلی، مستلزم ویژگی‌هایی چون دسترسی به مدارک و مباشران جرم است. در ابتدا و بنا به مطالب فوق، این امر به ذهن می‌رسد که وظیفه اولیه و ذاتی دولت‌های سوریه و عراق به‌عنوان آسیب‌دیدگان اصلی از جنایت‌های داعش این است که بدون هیچ‌گونه تأخیری، اقدام به برپایی محاکمه‌هایی با اصول دادرسی منصفانه بین‌المللی و با رعایت شرایط ماده ۱۷ اساسنامه کنند تا چنانچه وضعیت سوریه و عراق به دیوان ارجاع شود و دادستان بخواهد درباره کیفیت محاکمه‌های انجام شده و در پی آن، تصمیم‌گیری درباره قابلیت پذیرش وضعیت این کشور نزد دیوان، تصمیم‌گیری کند، محاکمه‌های عادلانه مانعی بر سر راه دادستان باشد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا در سوریه و عراق فعلی، نظام قضایی در دسترس وجود دارد یا خیر؟ در بند ۳ از ماده ۱۷ اساسنامه به اظهار نظر دیوان درباره عدم توانایی دولت در به دست آوردن دلایل و شواهد و انجام دادرسی با توجه به فروپاشی کلی یا جزئی و یا عدم دسترسی به نظام قضایی اشاره شده است. فروپاشی کلی به حالتی اطلاق

می‌شود که دستگاه قضایی یک کشور برای زمانی طولانی و در مقیاس گسترده نتواند به دستگیری مجرمین و مجازات آنها اقدام کند و فروپاشی جزئی معطوف به حالتی است که نظام قضایی کارآمد و کادر قضایی مناسب برای جمع‌آوری شواهد وجود نداشته باشد، لذا اگر دستگاه قضایی در سوریه و عراق دچار چنین وضعیتی باشد، به‌رغم اینکه محاکمه‌هایی در دادگاه‌های ملی انجام شده باشد، وضعیت از سوی دیوان، در صورت ارجاع، قابل‌پذیرش شناخته می‌شود (آقائی جنت‌مکان، قریشی، ۱۳۹۲: ۱۰۰۰).

به‌هرحال جنایت‌های ارتكابی داعش تاکنون در هیچ دادگاه ملی توسط سیستم قضایی کشورها مورد رسیدگی قرار نگرفته است، لذا مانعی از این نظر در اعمال صلاحیت دیوان وجود ندارد. البته باید اشاره کرد که کشورهای درگیر اعمال تروریستی داعش، یعنی سوریه و عراق که خسارت زیادی از اقدامات این گروه دیده‌اند نیز تاکنون در مراجع قضایی ملی خود اعضای داعش را تعقیب کیفری نکرده‌اند و آنچه از وقایع میدانی در سوریه و عراق به‌ویژه در سوریه هویدا است، برپایی محاکمه درحالی که درگیری‌ها ادامه دارد، امکان‌پذیر نیست و در واقع با توجه به ضعف حاکمیتی فعلی این دو کشور، به فرض اینکه جرایم ارتكابی را مورد تعقیب قرار می‌دادند، سازوکار مناسبی برای اجرای آرای صادرشده وجود ندارد. البته عراق در مقایسه با سوریه با توجه به قانون دادگاه عالی جنایی عراق^(۱۹) مصوب ۱۸ اکتبر ۲۰۰۵، دارای سازوکارهای قانونی بهتری برای محاکمه است.

۳-۲. صلاحیت‌های شخصی و سرزمینی

در مورد صلاحیت‌های شخصی و سرزمینی چند مطلب قابل‌ذکر است:

۱. دیوان طبق ماده ۲۶ اساسنامه خود تنها برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی

بالای ۱۸ سال صلاحیت دارد؛

۲. طبق ماده ۲۷ اساسنامه دیوان، سمت رسمی افراد متهم، تأثیری در صلاحیت

دیوان برای رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط آنها ندارد؛

۳. طبق بند ۲ از ماده ۱۲ اساسنامه، دیوان در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال

کند که یکی از شرط‌های زیر اتفاق بیفتد: الف- دست‌کم یکی از دولت‌هایی که در قلمرو

آن، جنایت موردنظر روی داده است یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما رخ داده، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است، عضو اساسنامه باشد؛ و ب- دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب، تبعه آن است، عضو اساسنامه باشند. که بند «الف»، متضمن صلاحیت سرزمینی و بند «ب» متضمن صلاحیت شخصی دیوان است.

در مورد صلاحیت سرزمینی با توجه به اینکه از یک سو جنایت‌های در صلاحیت دیوان در قلمرو کشورهای عراق و سوریه رخ داده و در حال رخ دادن است و از سوی دیگر، کشورهای عراق و سوریه عضو اساسنامه دیوان نیستند، لذا دیوان، صلاحیت سرزمینی برای رسیدگی به جنایت‌های داعش را ندارد.

همان‌گونه که مشهود است، صلاحیت شخصی مندرج در بند ۲ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان در صورتی قابل طرح است که مرتکب، تبعه کشور امضاکننده اساسنامه باشد، در این صورت، دادستان دیوان با هیچ مانعی برای پیگرد متهم روبه‌رو نیست. هم‌اکنون بنا بر اظهارات هماهنگ کننده امور مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا، حدود ۳ هزار تبعه کشورهای اروپایی به گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق پیوسته‌اند (نماین، ۱۳۹۴: ۱۸۳). همچنین دریادار ساموئل لاکر، رئیس ستاد فرماندهی اقیانوس آرام در ارتش آمریکا در کنفرانسی خبری اعلام کرد که حدود هزار تبعه کشورهای واقع در محدوده اقیانوس آرام، احتمالاً به داعش پیوسته‌اند.^(۲۰) هم‌اکنون بسیاری از کشورهای اروپایی و نیز محدوده اقیانوس آرام در زمره دولت‌های عضو اساسنامه دیوان محسوب می‌شوند و دادستان فعلی دیوان کیفری بین‌المللی، فاتو بنسود/ نیز در اعلامیه خود در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۱۵ به صراحت بیان کرده است که از میان این چندین هزار جنگجوی خارجی که به داعش پیوسته‌اند، تعدادی قابل توجهی دارای تابعیت دولت‌های عضو دیوان مانند آلمان، تونس، فرانسه، بریتانیا، استرالیا، بلژیک و هلند هستند.^(۲۱) لذا با توجه به مقرر بند ۲ از ماده ۱۲ اساسنامه، اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر مرتکبان جنایت‌های تحت صلاحیت دیوان که از اعضای داعش بوده و در سوریه و عراق دست به جنایت زده‌اند، امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، امکان رسیدگی دیوان به جرایم انجام‌شده توسط اتباع دولت‌های عضو در قلمرو دولت‌های غیر عضو سوریه یا عراق وجود دارد.

با وجود اینکه دادستان دیوان در اعلامیه خود اعلام کرده که گزارش‌هایی در مورد جنایت‌های ارتكابی بخشی از این اتباع خارجی عضو دیوان توسط دادستانی دیوان دریافت شده و از طریق رسانه‌های اجتماعی نیز تعدادی از این اقدامات هولناک علنی و عمومی شده است، اما دادستان در این اعلامیه به صراحت بیان کرده است که بر این اعتقاد است که داعش به عنوان یک سازمان تروریستی، توسط اتباع عراقی و سوری هدایت و رهبری می‌شود و خط مشی دادستانی دیوان نیز تمرکز بر افرادی است که دارای بالاترین مسئولیت کیفری هستند و در نهایت به این نتیجه رسیده است که مبنای صلاحیتی برای آغاز فرایند «ارزیابی مقدماتی» در این مرحله بسیار سست و مضیق است و در نتیجه دیوان، اقدامی در برابر اقدامات وحشیانه اعضای خارجی داعش انجام نخواهد داد.

۴-۲. صلاحیت زمانی

صلاحیت دیگری که در مورد دیوان مطرح می‌شود، صلاحیت زمانی است که طبق ماده ۱۱ اساسنامه دیوان عبارت است از صلاحیت دیوان در مورد هر دولتی از زمان پیوستن آن به اساسنامه است. کشورهایی که همان ابتدا به اساسنامه پیوسته‌اند، از زمان لازم‌الاجرا شدن اساسنامه و آنهایی که پس از آن به اساسنامه می‌پیوندند، در نخستین روز ماه بعد از شصتمین روز تودیع سند الحاق، تحت صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند، مگر اینکه خود دولت طبق بند ۲ از ماده ۱۱، اساسنامه را عطف‌بماسبق کند که البته اساسنامه در دوره پیش از ژوئیه ۲۰۰۲ قابل اجرا نیست، زیرا خود اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، از این تاریخ، لازم‌الاجرا شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳: ۳۵). در صورت الحاق عراق و یا سوریه به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و عضویت هریک از این دو کشور در دیوان، با توجه به صلاحیت زمانی، دیوان، صلاحیت رسیدگی به جنایت‌های داعش را از نخستین روز ماه بعد از شصتمین روز تودیع سند الحاق خواهد داشت و در مورد جنایت‌های ارتكابی سابق این گروه که بسیار قابل توجه هستند، دیوان صلاحیت زمانی نخواهد داشت، لذا کشورهای عراق و یا سوریه در صورت الحاق می‌توانند با اعلامیه‌ای اساسنامه و صلاحیت دیوان را از حیث زمانی، عطف‌بماسبق کنند که در این صورت، دیوان از ژوئیه ۲۰۰۲ به بعد دارای صلاحیت زمانی بوده و می‌تواند به تمامی جنایت‌های داعش پیش از زمان الحاق نیز رسیدگی کند.

۳. شیوه‌های ارجاع به دیوان کیفری بین‌المللی

فرایند ارجاع یک وضعیت به دیوان در سه حالت در ماده ۱۳ اساسنامه نمود یافته است که در ادامه ضمن بیان این سه حالت، انطباق آن با وضعیت جنایت‌های ارتكابی توسط داعش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. ارجاع وضعیت توسط دولت‌های عضو

در این حالت، موضوع چندان دشوار نیست و دولت عضو می‌تواند مطابق با بند «الف» ماده ۱۳ و ماده ۱۴ اساسنامه وضعیتی که به‌نظر می‌رسد یک یا چند جرم داخل در صلاحیت دیوان انجام شده است را به دیوان ارجاع دهد و دیوان هم با استناد به بند «الف» ماده ۱۳ اساسنامه و با رعایت شرایط ماده ۱۷ می‌تواند به اعمال صلاحیت در برابر جرایم ارتكابی در قلمرو و یا توسط اتباع دولت عضو بپردازد.

این نکته دارای اهمیت زیادی است که طبق بند ۲ از ماده ۱۲ اساسنامه، دیوان در صورتی می‌تواند با ارجاع یک وضعیت توسط دولت‌های عضو، صلاحیت خود را اعمال کند که یا دارای صلاحیت سرزمینی و یا دارای صلاحیت شخصی باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، برای ارجاع یک وضعیت توسط دولت‌های عضو و امکان رسیدگی توسط دیوان، باید یا صلاحیت شخصی و یا صلاحیت سرزمینی وجود داشته باشد، اما با توجه به اینکه عراق و سوریه، که محل وقوع جنایت‌های داعش هستند، عضو دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌باشند، و در نتیجه صلاحیت سرزمینی وجود ندارد و صلاحیت شخصی نیز با توجه به اعلامیه دادستان دیوان قابل احراز نیست، بنابراین دولت‌های عضو دیوان نمی‌توانند وضعیت داعش را به‌سبب ارتكاب جنایت‌هایی در عراق یا سوریه به دیوان ارجاع دهند.

۳-۲. ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت

شورای امنیت پس از پایان جنگ سرد دور تازه‌ای از فعالیت‌های خود را آغاز کرد و در مسائل مختلف بین‌المللی از جایگاه مهم و گسترده‌ای برخوردار شد، به‌گونه‌ای که اندیشه دکترین صلاحیت نامحدود شورای امنیت به‌وجود آمد (واتسون، ۱۳۷۶: ۹۰). بر اساس نگرش فوق و با هدف مقابله با بی‌کیفری در کشورهایی که حاضر به پذیرش صلاحیت دیوان

نیستند، سازوکار ارجاع یک وضعیت توسط شورای امنیت به دیوان در بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه پیش‌بینی شده است. علت این امر را عمدتاً چنین بیان کرده‌اند که چون وظیفه شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و یکی از روش‌های اجرایی کردن این وظیفه، رسیدگی به جرایم ارتكابی دارای ویژگی بین‌المللی در دیوان کیفری بین‌المللی است، لذا این وظیفه ذاتی شورا است که وضعیتی را که به نظر می‌رسد صلح و امنیت بین‌المللی در معرض خطر است، به دیوان ارجاع دهد تا از به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی جلوگیری کند (آقائی جنت‌مکان و قریشی، ۱۳۹۲: ۹۹۶). شورای امنیت تاکنون از این اختیار دو بار استفاده کرده است؛ نخست وضعیت دارفور سودان را در سال ۲۰۰۵ طی قطعنامه ۱۵۹۳ و دوم، وضعیت لیبی را در سال ۲۰۱۱ طی قطعنامه شماره ۱۹۷۰ به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد.

لازم به ذکر است که این اختیار با توجه به بافت سیاسی شورا می‌تواند محل مناقشه منافع اعضای شورای امنیت با منافع کشورهای غیرعضو باشد که این تنازع می‌تواند نتایجی مثبت و یا منفی را ایجاد کند؛ با این توضیح که زمانی که منافع اعضای شورای امنیت با ارجاع وضعیت به دیوان در تقابل نیست، نتیجه تقابل مثبت منافع، مقابله با بی‌کیفری است و وضعیت به دیوان ارجاع داده می‌شود.^(۲۲) لیکن هنگامی که منافع برخی از اعضای شورای امنیت در عدم ارجاع یک وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی باشد، همانند وضعیت بحرین، حالت تقابل منفی منافع، بسترساز بی‌کیفری می‌شود، زیرا از رسیدگی به یک وضعیت با استفاده از این سازوکار در دیوان کیفری بین‌المللی جلوگیری شده است (آقائی جنت‌مکان و قریشی، ۱۳۹۲: ۹۹۶). باید به این نکته نیز توجه داشت که موضوع در مورد سوریه و عراق پیچیده‌تر است و عدم ارجاع وضعیت آنها به دیوان از سوی شورای امنیت با توجه به مسائل سیاسی و منافع اعضای شورای امنیت، بسیار محتمل است.

دو نکته در ارجاع توسط شورای امنیت، مهم است؛ نخست اینکه در ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت به دیوان، لازم نیست هیچ‌کدام از صلاحیت‌های شخصی یا سرزمینی وجود داشته باشد؛ دوم اینکه شورای امنیت تنها یک وضعیت را به دیوان ارجاع می‌دهد و نه یک موضوع را. لذا زمانی که یک وضعیت به دیوان ارجاع می‌گردد، وظیفه بعدی دیوان در راستای ماده ۱۷ اساسنامه، صلاحیت تکمیلی است که بررسی کند آیا دولت صلاحیت‌دار،

موضوع را مورد بررسی قرار داده است یا خیر.

با توجه به مطالب پیش گفته، به نظر می‌رسد که شورای امنیت می‌تواند وضعیت داعش را به دیوان کیفری ارجاع داده و دیوان نیز به آن رسیدگی کند، هرچند به دلیل مسائل سیاسی، در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد که شورای امنیت از این اختیار خود استفاده کند، مگر اینکه یا منافع سیاسی اعضای دائم شورای امنیت تغییر کند و یا اینکه تحت فشار جامعه جهانی با توجه به دهشتناک بودن جنایت‌های داعش، شورای امنیت از این اختیار خود استفاده کند.

۳-۳. تحقیقات زیر نظر دادستان

طبق بند ج ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، اختیار شروع تحقیقات به دادستان دیوان داده شدند که در مواردی که نه دولت عضو و نه شورای امنیت اقدامی برای مقابله با بی‌کیفری انجام ندادند، دادستان بتواند اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهد و این اختیار طبق ماده ۱۵ اساسنامه تحت نظارت شعبه مقدماتی قرار گرفته است.

طبق بند ۲ از ماده ۱۲ اساسنامه، دادستان در صورتی می‌تواند شروع به تحقیقات کند که دیوان یا دارای صلاحیت سرزمینی و یا دارای صلاحیت شخصی باشد؛ به عبارت دیگر، برای احراز این حالت باید یا صلاحیت شخصی موجود باشد و یا صلاحیت سرزمینی که با توجه به اینکه صلاحیت سرزمینی وجود نداشته و صلاحیت شخصی نیز با توجه به اعلامیه دادستان دیوان قابل احراز نیست، لذا دادستان دیوان نمی‌تواند در مورد وضعیت داعش تحقیقات خود را شروع کند.

۴. سازو کارهای اعمال صلاحیت دیوان در مقابل جرایم داعش

طبق تمام مطالب پیش گفته و آنچه از مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه استنباط می‌شود، در مجموع سازوکار اعمال صلاحیت دیوان در مقابل جرایم ارتكابی به شیوه‌های زیر است: الف- ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان؛ ب- وقوع جرم در قلمرو دولت‌های عضو؛ ج- پذیرش صلاحیت دیوان در مورد جرم خاص از سوی دولت غیر عضو؛ د- عضویت

کشور غیرعضو در دیوان بین‌المللی کیفری؛ و، هر وقوع جرم توسط اتباع دولت‌های عضو در قلمرو دولت غیرعضو. همان‌گونه که پیشتر گفتیم، سوریه و عراق عضو دیوان نبوده و چون جرایم ارتكابی در خاک این کشورها به‌وقوع پیوسته است، بند «ب»، قابلیت تطابق با وضعیت سوریه و عراق را ندارد و سازوکارهای یادشده بندهای «الف»، «ج»، «د» و «ه» در مورد سوریه و عراق ظرفیت بررسی را دارند که هر کدام با چالش‌هایی مواجه است و در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۴-۱. پذیرش صلاحیت دیوان در مورد جنایات‌های داعش از سوی دولت سوریه یا عراق

تدوین‌کنندگان اساسنامه دیوان طبق بند ۳ از ماده ۱۲، راه را برای کشورهای غیرعضو باز گذاشته‌اند تا هر زمانی که تشخیص دهند باید مرتکبان جرایم بین‌المللی در خاک آنها یا نسبت به آنها به پای میز عدالت کشیده شوند، کشورهای غیرعضو صلاحیت دیوان را درباره جنایت موردنظر و به‌صورت موردی بپذیرند. دولت‌های سوریه و عراق نیز از این قاعده مستثنا نیستند و پذیرش صلاحیت دیوان به‌صورت موردی و در مورد جرایم داعش از سوی دولت‌های سوریه و یا عراق می‌تواند سبب‌ساز امکان ورود دیوان به بحث سوریه و عراق شود تا دیوان بتواند در راستای وظیفه ذاتی خود، یعنی مقابله با بی‌کیفری اقدام کند.

۴-۲. عضویت دولت سوریه یا عراق در دیوان کیفری و پذیرش اساسنامه

طبق بند ۱ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان، دولت‌های سوریه و عراق می‌توانند عضویت دیوان را بپذیرند که در این صورت، همان‌گونه که در مورد صلاحیت زمانی مطرح شد، دیوان تنها می‌تواند به جنایات‌های ارتكابی احتمالی داعش در آینده رسیدگی کند، زیرا طبق بند ۲ از ماده ۱۱ اساسنامه، کشورهایی که بعدها به اساسنامه می‌پیوندند، در نخستین روز ماه بعد از شصتمین روز تودیع سند الحاق، تحت صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند. البته یک راهکار در همین بند ماده ذکر شده و آن عبارت است از اینکه خود دولت ملحق‌شده طبق بند ۳ از ماده ۱۲، اساسنامه را عطف‌بماسبق کند که در این صورت، امکان رسیدگی به کلیه جنایات‌های داعش توسط دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد. البته در وضعیت فعلی، بعید است که سوریه و عراق عضویت در این نهاد کیفری بین‌المللی را بپذیرند.

۳-۴. ارجاع وضعیت سوریه و عراق از سوی شورای امنیت به دیوان

همان گونه که پیش از این اشاره شد، شورای امنیت می‌تواند طبق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه، وضعیت داعش را به دیوان کیفری ارجاع داده و دیوان نیز به آن رسیدگی کند. شورای امنیت تاکنون از این اختیار خود دو بار در قضایای دارفور سودان و لیبی استفاده کرده است، هرچند به دلیل مسائل سیاسی، در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد که شورای امنیت از این اختیار خود استفاده کند؛ بر همین اساس، ارجاع وضعیت سوریه و عراق به دیوان در پیش نویس قطعنامه ۲۱۳۹ شورای امنیت در نظر گرفته شده بود، اما در قطعنامه صادرشده، این طرح ارجاع، حذف شد (آقائی جنت‌مکان و قریشی، ۱۳۹۲: ۱۰۰۳) که به نظر می‌رسد علت حذف آن، استراتژی متفاوت شورای امنیت در قبال بحران سوریه و عراق باشد.

۴-۴. وقوع جرم توسط اتباع دولت‌های عضو در قلمرو دولت‌های غیرعضو سوریه

یا عراق

همان گونه که در صلاحیت شخصی اشاره شد، طبق قسمت «ب» از بند ۲ ماده ۱۲ اساسنامه، دیوان می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند، در صورتی که دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب، تبعه آن است، عضو اساسنامه باشد. اما با وجود اینکه دادستان دیوان، فالتو بنسودا، در اعلامیه خود تأیید کرده است که اولاً جنایت‌های ارتكابی توسط داعش، تحت صلاحیت این دیوان بوده و ثانیاً اتباع دولت‌های عضو اساسنامه دیوان نیز در داعش مرتکب این جنایت‌ها شده‌اند، اما وی به صراحت بیان کرده است که صلاحیت شخصی قابل احراز نیست، زیرا گروه داعش به‌عنوان یک سازمان، توسط اتباع عراقی و سوری هدایت و رهبری می‌شود و خط مشی دادستانی دیوان نیز تمرکز بر افرادی است که دارای بالاترین مسئولیت کیفری هستند و در نهایت به این نتیجه رسیده است که مبنای صلاحیتی برای آغاز فرایند «ارزیابی مقدماتی» در این مرحله بسیار سست و مضیق است و در نتیجه جرایم ارتكابی توسط داعش با وجود اتباع دولت‌های عضو در این سازمان تروریستی، قابلیت رسیدگی ندارد.

۵. رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به جنایات‌های داعش با توجه به اعلامیه دادستان فعلی

جنایات‌های داعش در بستر فرهنگ «بی‌کیفری» و مصونیت ادامه می‌یابد. پایان دادن به فرهنگ بی‌کیفری، همان هدفی است که تحقق آن این انتظار را در جامعه جهانی ایجاد کرده است که دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان نخستین و تنها محکمه دائمی در عرصه عدالت کیفری بین‌المللی در مقابل جرایم انجام‌شده از سوی داعش، واکنش نشان داده و با مداخله در این ماجرا، زمینه تعقیب مرتکبان جرایم بین‌المللی را فراهم کند.

این انتظارات و درخواست‌ها از دیوان موجب شد که فاتو بنسودا، دادستان فعلی دیوان کیفری بین‌المللی، در هشتم آوریل ۲۰۱۵ با انتشار بیانیه‌ای، موضع خود را در مقابل وضعیت گروه «داعش» اعلام کند. دادستان در این بیانیه عنوان کرده است که از تابستان ۲۰۱۴، اخبار و گزارش‌های زیادی مبنی بر ارتکاب جنایات‌های گسترده از سوی گروه موسوم به «داعش» در قلمرو سرزمینی عراق و سوریه دریافت کرده و آنها را تحت نظر داشته است. در این بیانیه، دادستان دیوان در بررسی وجود یا فقدان صلاحیت دیوان برای آغاز رسیدگی به وضعیت داعش به موارد زیر اشاره کرده است:

الف- رفتارهای بی‌رحمانه انجام‌شده توسط داعش، مصداق جرایم داخل در صلاحیت دیوان، یعنی جنایات‌های جنگی، جنایات‌های علیه بشریت و حتی جنایات نسل‌زدایی است؛ بنابراین «صلاحیت موضوعی» دیوان در مورد وضعیت داعش، محقق است.

ب- دولت‌های عراق و سوریه عضو دیوان نیستند، بنابراین دیوان نمی‌تواند با استناد به «صلاحیت سرزمینی» در مقابل جرایم ارتکاب‌یافته در قلمرو سرزمینی این دو دولت، اعمال صلاحیت کند. دیوان دارای «صلاحیت جهانی» نیست و تنها در مقابل جرایم ارتکاب‌یافته در قلمرو سرزمینی یک دولت عضو یا توسط اتباع دولت‌های عضو، دارای صلاحیت است.

ج- صلاحیت شخصی، صلاحیت جایگزین است که می‌تواند مجرای مداخله دیوان واقع شود. دادستان دیوان با قبول اینکه صدها جنگجوی خارجی به گروه داعش پیوسته و مرتکب جرایم داخل در صلاحیت دیوان در عراق و سوریه می‌شوند، به تابعیت برخی از آنها اشاره می‌کند که همگی از اتباع دولت‌های عضو دیوان، مانند تونس، فرانسه، هلند، استرالیا و

اردن هستند؛ بنابراین دیوان در مقابل ارتکاب جرایم داخل در صلاحیت خود، توسط اتباع دولت‌های عضو، دارای صلاحیت شخصی است، حتی اگر این رفتارهای مجرمانه در قلمرو سرزمینی یک دولت غیرعضو مانند عراق و یا سوریه انجام شود.

د- باین حال دادستان دیوان از وجود یک مانع برای اعمال صلاحیت سخن می‌گوید. مانع اعمال صلاحیت شخصی دیوان، نه منع قانونی بلکه «خط‌مشی» دادستانی دیوان است. بنسودا با اشاره به اینکه خط‌مشی دادستانی دیوان، تمرکز بر سران و رهبرانی است که دارای بیشترین مسئولیت هستند، اعلام کرده است که بنا بر اطلاعات دریافت‌شده، سران گروه داعش، عراقی و فاقد تابعیت دولت‌های عضو دیوان هستند.

البته این تصمیم دادستان را می‌توان در پرتو یکی از پیش‌شرط‌های اعمال صلاحیت دیوان، یعنی آستانه شدت، مورد بررسی قرار داد. برای تعیین شدت جرایم باید به معیارهایی چون تعداد قربانیان، نوع آسیب‌ها، گستره جغرافیایی و زمانی ارتکاب جرم، ماهیت جرم، شیوه ارتکاب جرم و پیامدهای ارتکاب جرم، توجه شود (فهم دانش، بی‌تا).

هـ- نظر دادستان این است که تصمیم دولت عراق و سوریه برای پیوستن به دیوان یا تودیع اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان و یا ارجاع وضعیت داعش از سوی شورای امنیت ملل متحد، راه‌حل‌های جایگزین برای فعال‌سازی صلاحیت دیوان هستند.

باین حال، به نظر می‌رسد که تصمیم دادستان دیوان و استدلال او مبنی بر فقدان مبنای صلاحیتی (صلاحیت شخصی) برای آغاز فرایند ارزیابی مقدماتی وضعیت داعش در عراق و سوریه با ایرادهای جدی روبه‌رو است، از جمله اینکه آنچه دادستان دیوان درباره وضعیت داعش انجام داده است، بی‌شک مصداق ارزیابی مقدماتی بوده است. نتیجه‌ای که دادستان مدعی است به آن رسیده است، می‌بایست پس از احراز و تأیید وجود یک وضعیت به‌نام داعش و آغاز فرایند ارزیابی مقدماتی در مورد آن به‌ثمر می‌رسید.

اینکه دادستان دیوان مدعی شده است که خط‌مشی وی تمرکز بر مسئولیت کیفری سران و رهبران است، درحالی است که این خط‌مشی، یک مانع حقوقی و یک معیار اساسنامه‌ای نیست، بلکه تنها یک خط‌مشی و سیاست و تفسیر است که البته از حیث قانونی الزام‌آور نبوده و نمی‌تواند حدود صلاحیتی دیوان را تحدید کند. نکته جالب این است

که دفتر دادستان دیوان پیش از این در توضیح این خط‌مشی تأکید کرده بود که در زمان مقتضی در مورد پیگیری جرایم افراد پایین و میان مرتبه نیز اقدام خواهد کرد تا از طریق ایشان مسیر دسترسی به سران هموار شود (ذاکر حسین، بی‌تا).

نتیجه‌گیری

تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی این امید را به وجود آورد که هر فردی در هر جایگاه و مقامی مرتکب جرمی شود که دارای ویژگی بین‌المللی باشد، از محاکمه رها نخواهد شد. عفو و مصونیت در برابر دیوان، قابلیت استناد ندارد و کلیه کشورها چه عضو و چه غیرعضو ملزم به پیروی از قواعد مندرج در اساسنامه هستند؛ قواعدی که برآمده از حقوق عرفی بین‌المللی است. وجود دیوان کیفری، احتمال مقابله با بی‌کیفری را در برابر کشورهای عضو و غیرعضو به نحو چشمگیری بالا برد، به نحوی که این امید در مورد کشورهای عضو با ارجاع وضعیت اوگاندا و در مورد کشورهای غیرعضو با ارجاع وضعیت سودان و لیبی به دیوان، جامه عمل پوشید.

دولت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش، اعمال تروریستی فراوانی را در سوریه و عراق مرتکب شده و این اعمال تروریستی می‌تواند تحت عناوین جنایت‌های جنگی و جنایت‌های علیه بشریت و حتی جنایت نسل‌زدایی، قرار گیرد و بدیهی است که صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی محقق است و وقایع رخ داده در سوریه و عراق در مسیری قرار گرفته‌اند که جامعه بین‌المللی انتظار دارد که متولی فعلی اجرای عدالت کیفری، یعنی دیوان کیفری بین‌المللی، به محاکمه رهبران داعش بپردازد. اما در این بین یک مشکل اساسی وجود دارد که رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی را با چالش روبه‌رو می‌کند و آن این است که کشورهای عراق و سوریه، عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند.

با توجه به مفاد اساسنامه دیوان، به‌ویژه انواع صلاحیت‌ها و نظام ارجاع در دیوان، به نظر می‌رسد که روی هم‌رفته پنج سازوکار اعمال صلاحیت دیوان در مقابل جرایم ارتكابی موضوع صلاحیت خود وجود داشته باشد: الف) ارجاع وضعیت به وسیله شورای امنیت به دادستان دیوان؛ ب) وقوع جرم در قلمرو دولت‌های عضو؛ ج) پذیرش صلاحیت دیوان در

مورد جرم خاص از سوی دولت غیرعضو؛ د) عضویت کشور غیرعضو در دیوان بین‌المللی کیفری؛ ه) وقوع جرم توسط اتباع دولت‌های عضو در قلمرو دولت غیرعضو.

سازوکار وقوع جرم در قلمرو دولت‌های عضو مندرج در بند «ب» ذکر شده در بالا، قابل تطبیق با وضعیت داعش نیست، زیرا همان‌گونه که گفته شد، جرایم ارتكابی در خاک این دو کشور به‌وقوع پیوسته و سوریه و عراق، عضو دیوان نیستند، لذا چهار سازوکار با توجه به وضعیت داعش و عدم عضویت کشورهای عراق و سوریه قابل‌تصور است که می‌تواند مبنای صلاحیتی دیوان باشد: نخست اینکه صلاحیت دیوان در مورد جنایت‌های داعش از سوی دولت‌های سوریه یا عراق به‌صورت موردی پذیرفته شود؛ دوم اینکه دولت‌های سوریه یا عراق در دیوان کیفری عضو شده و اساسنامه دیوان را بپذیرند. البته همان‌گونه که در قسمت صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی توضیح داده شد، کشورهای عراق و سوریه می‌توانند با صدور اعلامیه‌ای، اساسنامه و صلاحیت دیوان را از حیث زمانی عطف بما سبق کنند تا دیوان، صلاحیت رسیدگی به تمام جنایت‌های داعش پیش از زمان الحاق را نیز داشته باشد، سوم اینکه وضعیت داعش در سوریه و عراق از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شود؛ چهارم اینکه اتباع دولت‌های عضو در قلمرو دولت‌های غیرعضو سوریه یا عراق، مرتکب جرایم در صلاحیت دیوان شوند.

فاتو بنسودا در اعلامیه خود در سال ۲۰۱۵ تنها سه راهکار نخست را پیشنهاد داده است که در این سه راه‌حل، ابتکار عمل در دست کشورهای سوریه و عراق و شورای امنیت است، لذا تا پیش از اقدام آنها، دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی، صالح نیست و راهکار چهارم را با وجود تأیید حضور نیروهای تابع دولت‌های عضو اساسنامه دیوان و ارتكاب جنایات توسط آنها، تنها به این دلیل که اعضای اصلی و مسئولان داعش دارای تابعیت عراقی و سوری هستند، منتفی دانسته است.

در مورد سه راهکار باقی‌مانده و مورد تأیید دادستان دیوان باید گفت که این راهکارها در سطح بالایی از ملاحظات سیاسی قرار دارند تا یک وضعیت به دیوان ارجاع نشود؛ مانند وضعیت بحرین، سوریه، و عراق که تاکنون نه دولت‌های این کشورها اساسنامه را پذیرفته‌اند و نه شورای امنیت وضعیت آنها را به دیوان ارجاع داده است؛ با این توضیح که بعید است

هم‌سو با دو راهکار نخست که نیاز به اقدام دولت‌های عراق یا سوریه دارند، این دولت‌ها اقدامی انجام دهند. چون ممکن است خود سران کشورها نیز توسط دیوان مورد تعقیب قرار گیرند و در مورد راهکار سوم که نیاز به ارجاع شورای امنیت دارد، تاکنون شورا اقدام به این کار نکرده و تقابل منافع سیاسی اعضای دائم شورای امنیت، این بار در جهت منفی سبب ادامه این بحران در سطح جامعه بین‌المللی شده و به نظر می‌رسد تا زمانی که این منافع سیاسی هم‌سو نشوند، ارجاع وضعیت داعش از سوی شورای امنیت به دیوان انجام نشود.

یادداشت‌ها:

1. <http://news.yahoo.com/20-000-31-500-fighters-iraq-syria-cia-230059844.html>.
2. <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2014/08/islamic-state-50000-fighters-syria-2014819184258421392.html>.
3. <http://tass.ru/en/world/766237>.
4. <http://www.presstv.ir/Detail/Fa/2015/12/08/440806/Daesh-foreign-fighters-Syria-Iraq>.

۵. نام این گروه به هر دو صورت یزیدی و ایزدی به کار می‌رود، البته در منابع غیرفارسی نام یزیدی رایج‌تر است.

6. <http://www.icicl.org/details.asp?id=311>.
7. <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-icc-yazidis-idUSKCN0RO14G20150924>.
8. <http://www.wsj.com/articles/ancient-prophecies-motivate-islamic-state-militants-1416357441>
9. <http://www.rt.com/news/202071-isis-slaves-girls-prices/>

۱۰. وضعیت‌های مخاصمه به سه صورت مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی و وضعیت داخلی، در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. در مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، دست‌کم دو کشور درگیر هستند و از آنجا که ماهیت تروریست‌های داعش، کشور نبوده (هرچند داعش خود را به صورت دولت یا کشور معرفی می‌کند) و حداکثر به‌عنوان یک سازمان تروریستی قابل شناسایی است، لذا احراز این وضعیت به‌عنوان مخاصمه مسلحانه بین‌المللی صحیح نیست. در مورد اینکه این وضعیت قابل انطباق با مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی یا وضعیت داخلی هست یا خیر، باید به این مطلب اشاره کرد که در مورد احراز هر کدام از این دو حالت، باید به عنصر مکان و زمان توجه ویژه داشت. با این توضیح که برای احراز وضعیت مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی حدی از خشونت لازم است؛ به‌عنوان مثال، آدم‌ربایی، باندهای مواد مخدر، قتل، غارت و... در یک منطقه از یک کشور، وضعیت داخلی بوده و تابع حقوق جزایی داخلی کشورها است اما حدی از خشونت دارای معیارهایی است از جمله فرسایشی بودن، استفاده از سلاح‌های سنگین، دخالت ارتش، در دست گرفتن کنترل بخشی از سرزمین یک کشور، فرماندهی واحد، جنگ به صورت منظم و... که با توجه به توضیحات پیش گفته، این معیارها در مورد گروه تروریستی داعش محقق است؛ لذا به‌نظر می‌رسد این وضعیت به‌عنوان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی قابل احراز باشد. حقوق مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی دارای مقررات زیادی نیست و ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم ضمیمه ۱۹۷۷ به این کنوانسیون‌ها به‌عنوان منابع اصلی حاکم بر این مخاصمات محسوب می‌شوند. در واقع ماده ۳

مشترک به‌عنوان منبع سنتی این حقوق و پروتکل دوم الحاقی به‌عنوان گامی در راستای تکمیل و توسعه ماده یادشده تلقی می‌شود. به‌طور کلی شکل‌گیری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸، تحولی عظیم در زمینه این مخاصمات ایجاد کرد و با درج جرایم ارتكابی در خلال مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در زمره جرایم جنگی در کنار مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، به‌گونه‌ای حقوق مربوط به این مخاصمات را در این عرصه تدوین کرد و باعث توسعه آن شد.

11. <http://www.irinn.ir/news/54052>.

12. <http://www.dw.com/fa-ir/a-17732444>.

13. <http://www.dw.com/fa-ir/a-17795831>.

14. <http://www.irinn.ir/news/80948/>.

15. <http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2014/07/05/ISIS-destroys-Shiite-mosques-shrines-in-Iraq.html>.

16. http://www.bbc.com/persian/world/2015/01/150131_126_iraq_mosul_library_books_islamic_state_isis.

17. <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-3410399418>.

18. <http://www.dw.com/fa-ir/a-18313306>

۱۹. این قانون تا حد زیادی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شباهت دارد. برای مطالعه ترجمه این قانون می‌توانید مراجعه کنید به: حسین آقائی جنت‌مکان (۱۳۹۳)، حقوق کیفری بین‌المللی (مجموعه اسناد بین‌المللی)، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، صص ۱۱۰-۸۷.

20. <http://fa.alalam.ir/print/1635796>.

۲۱. متن کامل این اعلامیه خانم دادستان در وبگاه دیوان کیفری بین‌المللی به آدرس زیر قابل

مشاهده است:

https://www.icc-pi.int/en_menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/Pages/otp-stat-08-04-2015-1.aspx.

۲۲. اگرچه اقدام شورای امنیت در ارجاع یک وضعیت به دیوان، عاملی برای مقابله با

بی‌کیفری در برابر کشورهای غیرعضو محسوب می‌شود، اما در ماده ۱۶ اساسنامه، اختیاری به شورای امنیت داده شده است که بتواند یک تحقیق یا تعقیب را معلق کند. اختیاری که توسط شورای امنیت قابل تجدید است و تا زمانی که اعضای شورای امنیت دارای منافی هم‌سو با یکدیگر باشند و تمایل نداشته باشند که موضوعی در دیوان مورد رسیدگی قرار گیرد، تحقیق یا تعقیب با تجدید درخواست تعلیق، معلق می‌شود و این قدرت شورای امنیت، مانعی بالقوه برای تقابل با بی‌کیفری به‌شمار می‌رود و باعث می‌شود مرتکبان سخیف‌ترین جرایم، از چنگال عدالت کیفری رهایی یابند.

منابع

الف) فارسی

- آقائی جنت‌مکان، حسین و قریشی، سید محمدجعفر (۱۳۹۲)، «سازوکارهای حقوقی کیفری بین‌الملل برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در سوریه»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴.
- آقائی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۳)، **حقوق کیفری بین‌المللی (مجموعه اسناد بین‌المللی)**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- ابراهیمی، نصراله (۱۳۷۷)، «درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست‌جمهوری، دوره دوم، شماره بیست‌وسوم.
- جانی‌پور، مجتبی و خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۸۹)، «ارجاع جنایت‌های بین‌المللی به دیوان کیفری بین‌المللی توسط شورای امنیت و آثار آن»، **مجله مطالعات حقوقی**، دوره دوم، شماره دوم (ویژه‌نامه حقوق جزا و جرم‌شناسی).
- ذاکر حسین، محمدهادی، «تقدی بر تصمیم دادستان دیوان نسبت به عدم ورود به وضعیت داعش»، در: <http://www.icicl.org/details.asp?id=258>
- ساداتی، سید محمد مهدی (۱۳۹۳)، «نخستین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، **فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس**، سال پنجم، شماره ۱۹.
- فهمید دانش، علی، «داعش و عدالت کیفری»، در: <http://www.icicl.org/details.asp?id=244>
- محمدی فومنی، حسین (۱۳۹۳)، «واکنش نظام بین‌الملل به جایگاه تروریست‌های داعش»، در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/427585>
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷)، **دادگاه کیفری بین‌المللی**، تهران: دادگستر.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۴)، «مروری بر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، **فصلنامه حقوقی گواه**، دانشگاه امام صادق(ع)، شماره دو و سه.
- نماین، پیمان (۱۳۹۴)، «ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات داعش»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هجدهم، شماره اول.
- واتسون، جفری (۱۳۷۹)، «حاکمیت قانون بررسی قضایی و دیوانی جهانی»، ترجمه حسین شریفی طراز‌کوهی، **فصلنامه راهبرد**، شماره سیزدهم.

(ب) انگلیسی

Aaron Y. Zelin (2014), **The War between ISIS and al-Qaeda for Supremacy of the Global Jihadist Movement**, The Washington Institute for Near East Policy.

Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, Fatou Bensouda, on the alleged crimes committed by ISIS, available at: https://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/Pages/otp-stat-08-04-2015-1.aspx.